

سه گروه اصولگرایان از نظر عباس عبدی:

از «ارزشی های واقعی» تا «شخصیت های هتاک»



جناب‌بندی‌های داخلی جریان غالب اصولگرایان نیز می‌تواند جالب و آموزنده باشد. گرچه این جریان لایه‌های پیچیده‌ای دارد و به علت «قدرت‌محور» بودن آنان مسائل مادی و منفعتی حرف اول را در مجادلات میان آنها می‌زند، ولی در مجموع می‌توان آنان را ذیل سه گروه کلی تقسیم‌بندی کرد که البته هر کدام از این سه گروه، به ویژه تندروهای آنان از باندها و زیر گروه‌های عجیب و غریبی تشکیل می‌شوند که هر کدام آنان می‌توانند موضوع مطالعه و تحلیل جداگانه‌ای قرار گیرند.

گروه اول، در حال حذف کامل از عرصه سیاسی هستند. آنان همان اصولگرایان سنتی هستند که در انقلاب هم بودند، تقیدات شرعی دارند، بیش از آنکه دنبال منافع و قدرت باشند، خود را ملتزم به ارزش‌ها و برداشت‌های دینی خود می‌دانستند، هر چند از سال ۱۳۶۸ به بعد آنان نیز «قدرت‌محور» بودند، ولی جالب اثرات رسانه‌ای بر حذف و با به حاشیه راندن این گروه است. ابزارهای مانع از هضم آنان در هزار لای قدرت می‌شُد. حدی از استقلال را برای خود قائل بودند، همین استقلال‌جویی و پرهیز از غوطه‌ور شدن در عوام‌گرایی افراطی آنان را کم‌کم به حاشیه بُرد و حضور سیاسی آنان را بسیار کم‌رنگ کرد. نکته راه خود را از سیاست رسمی جدا کرده‌اند. گروه دومی از اصولگرایان هستند که کمابیش ادامه گروه اول هستند، با این تفاوت که در عرصه مدیریتی کشور حضور دارند. کم هم نیستند، هر چند به مرور در حال اخراج هستند. اینها اغلب نسل بعدی گروه اول هستند. فاقد انسجام و تشکیلات روشنی هستند ولی به صورت فردی حضور عمومی دارند، حرف می‌زنند، نقد می‌کنند، افشاگری می‌کنند، التزامات آنان به قدرت فرخ بر تعهدات آنان به حقیقت و واقعیت است. با توجه به صبغه اصولگرایی که دارند، راحت‌تر هم حرف می‌زنند. حس می‌کنند که به آنان خیانت شده و مورد سوءاستفاده سیاسی قرار گرفته‌اند. هر دو گروه فوق از برخی جهات با بخش‌هایی از اصلاح‌طلبان نزدیکی‌های تحلیلی و فکری دارند. در هر گروه تفکرات مذهبی متعارفی دارند و نسبت به آن نیز حساس هستند.

گروه سوم مجموعه‌ای متنوع هستند که متشکل از نسل‌های دوم و سوم هستند. ویژگی اصلی آنان «قدرت‌محوری» است، ولی تغییر خود را از آن دارند. در واقع قدرت و ثروت را برای خود می‌خوانند. مذهب آنان عمیق نیست، بیشتر مناسکی و نمایشی است. ضوابط و ارزش‌های دینی برای آنان در خدمت پالارفتن از نزدیکان قدرت است و فقط تا همین مرحله اهمیت دارد. دین آنان تقریباً جدید است. آنان از فرقه‌ها و دسته‌ها و باندها و گنگ‌های گوناگونی تشکیل شده‌اند. به همین دلیل است که از بیرون نمی‌توان فهمید چرا به یکباره فرد مهم این جناح در تهران اول نمی‌شود و شخص دیگری نفر اول می‌شود.

این محصور تشکیلات فرقه‌ای آنان است. وحدت تشکیلاتی ندارند و اتفاقاً به دلیل ماهیت باندی خود، اختلافات عجیب و غریب داخلی دارند.

قدرت‌محوری آنان تا حدی است که معیار یا اولویت‌های خوشان نباشد، لذا در جریان اخیر حجاب به صورت غیر مستقیم در برابر تذکر به روند جاری رسمی علیه زنان حمله کردند. ذهنیت‌های آنان تخریبی است. گرایش‌های آخرآزمایی دارند و این گرایش نه از روی اعتقاد، بلکه به این علت است که بحث و گفت‌وگوی عقلانی را بلاموضوع می‌کند. ضد علم، طرف‌دار نظریه توطئه، مخالف قانون و حاکمیت آن هستند. ادبیات آنان در فضای مجازی مشهود است. هتاکانه و غیردینی است. بسیار متکی به رسانه‌های انحصاری هستند. در عمل هیچ‌یک ایده و برنامه‌ایجابی ندارند، جز ویرانگری و تخریب و تقابل در داخل و خارج از کشور.

تناقضات گفتاری و رفتاری آنان فراوان و شدید است ولی در ذیل کسب قدرت به هر قیمتی قابل رفع است. به راحتی چشم‌را بر فساد خود و دوستان‌شان می‌بندند، حتی آن را توجیه هم می‌کنند. برای آنان «حق» معنای مستقلاً از «نفع» و «قدرت» خودشان ندارد، لذا بی‌شخصیت‌ترین رفتارهای سیاسی را در تاریخ جدید ایران از خود نشان می‌دهند. مهم‌تر از همه اینکه فاقد حداقلی اخلاقیات و شرم هستند. به راحتی دروغ می‌گویند و تهمت می‌زنند و حرف خود را تغییر می‌دهند، حقیقت مسلم و روشن را نفی می‌کنند، در تاریخ ایران وجود گروهی مشابه آنها یا بی‌سابقه است یا کم‌سابقه.

پیش‌بینی دولت‌مرد حسن روحانی از وضعیت اقتصادی؛

سال سختی پیش‌رو است



کردی می‌گوید: به نظر من هر اقدامی که بانک‌م مرکزی برای کنترل نرخ ارز با ندادن تسهیلات و نقدینگی داشت، توانست تا حدی جلوی رشد شدید قیمت‌ها را بگیرد. وی البته با اشاره به افزایش نرخ ارز در یکی دو ماه اخیر، می‌افزاید: واقعیت این است که وقتی ۲۵ تا ۵۰ درصد تورم داریم، این نشان می‌دهد که ارزش پول ملی دارد می‌افتد.

او متذکر می‌شود: به نظر می‌رسد سال ۱۴۰۳ سال سختی باشد، اما امید دارم یک‌دست شدن دولت و مجلس و حمایت رهبری از دولت، از این بحران‌ها با تصمیمات جسورانه، عقلایی و با مشورت عقلاً بگذریم.

کرابسیان یادآور می‌شود: می‌توان نرخ تورم را در حدود ۴۵،۴۰ درصد نگه داشت، اما در مقابل رکود تشدید می‌شود. وقتی حقوق ۱۰ درصد افزایش پیدا کند، هزینه‌ها پایین باشد، پولی نمی‌چرخد و رکود ایجاد می‌شود.

کرابسیان در پاسخ به این پرسش که نرخ ارز در سال ۱۴۰۳ چه مسیری را طی خواهد کرد؟ به این جمله بسنسد می‌کند: این منوط به این است که چقدر درآمد ارزی و نفتی داشته باشیم.

سیاسی

مردم به این باور رسیده‌اند که احزاب سیاسی به جای منبع قدرت تبدیل به ابزار قدرت شده‌اند

- فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی در ایران، هم‌زمان و شاید پیش از برگزاری اولین انتخابات تاریخ معاصر آغاز شد؛ اما خبری از نهادهایی تجزیه‌گرا یا احزابی که در کنار فعالیت‌های انتخاباتی نشان می‌دهد و تشکل‌ها و فهرست‌های موسمی می‌کوشند تا این ضعف را پوش دهند.



افراد درون احزاب سیاسی وقتی با اختلاف، نه رقابت در کسب قدرت موجه می‌شوند به راحتی و با توجیه سرطانی و سمی انشعاب می‌زنند. خسرند جمعی در احزاب سیاسی تشکل نمی‌گیرند و احزاب سیاسی در بازی قدرت و قدرت‌طلبی در خرد فردی گرفتار می‌شوند.

سرویس سیاسی – فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی در ایران، هم‌زمان و شاید پیش از برگزاری اولین انتخابات تاریخ معاصر آغاز شد؛ اما خبری از نهادهایی تجزیه‌گرا یا احزابی که در کنار فعالیت‌های انتخاباتی نشان می‌دهد و تشکل‌ها و فهرست‌های موسمی می‌کوشند تا این ضعف را پوشش دهند. از دید بسیاری از ناظران و تحلیلگران سیاسی، با نگرش فرابنده‌ای حزبی، علاوه بر ایام انتخابات، آثار خود را در عرصه فعالیت‌ها و روندهای سیاسی کشور نیز به اشکال گوناگون می‌نمایاند.

احزاب سیاسی به عنوان چرخ‌نده های دموکراسی و عضو مهم جامعه مدنی، در کشورهای دموکراتیک نقش مهمی در تعامل بین دولت و جامعه ایفا می‌کنند؛ بنابراین، نظام‌های مبتنی بر مردمسالاری نمی‌توانند از احزاب سیاسی‌های حزبی خود را بی‌نیاز ببینند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در دو اصل ۲۶ و ۲۷ به کلیات مربوط به آزادی احزاب و انجمن‌ها و شرایط و حدود فعالیت آنها پرداخته است.

در اصل ۲۶ قانون اساسی آمده است: «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های اسلامی و صنفی و انجمن‌های اسلامی با اقلیت‌های دینی شناخته شده از اندک، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد و یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.» اصل ۲۷ نیز آمده است: «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها بدون حمل سلاح به شرط آنکه مختل مبنای اسلام نباشد آزاد است» بررسی‌های تاریخی نشان از «دولت‌ساخت» بودن احزاب سیاسی و «دولت‌ساز» بودن آن دارد و به همین دلیل، موجب بی‌اعتمادی و بدبینی مردم شدند.

احزاب سیاسی پس از انحلال حزب جمهوری اسلامی روی شکاف‌های اقتصادی-اجتماعی با سیاسی در داخل بلوک‌اسلامی شکل گرفتند

احزاب سیاسی چرخ‌نده دموکراسی و اعضای جامعه مدنی هستند که در تعامل میان دولت (رأس هرم) و جامعه (قاعده‌هرم) می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند. پس از انقلاب اسلامی، برخی با حضور احزاب سیاسی در جامعه مخالف بودند. صاحبان این دیدگاه، احزاب سیاسی را سرچشمه کشمکش و تفرقه می‌دانستند.

برخی نیز معتقد بودند حضور احزاب سیاسی به‌عنوان‌سازوکارِی‌مهم‌وباکارویژه‌های نمایندگی مطالبات مردم ضروری است. روح انقلاب با سرعتی باور نکردنی، بسیاری از نظام‌ها و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی‌کهن را دستخوش تغییر کرد که یکی از آنها نظام حزبی در ایران بود.

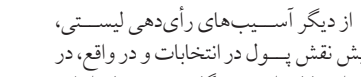
در اواخر دوره پهلوسی دوم، نظام حزبی با شکل‌گیری حزب رستاخیز به صورت نظام تک‌حزبی درآمده بود اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به دلیل مطالبات فضای باز سیاسی در ایران، احزاب و دسته‌های سیاسی در متعددی در فضای سیاسی کشور ظاهر شدند که البته همگی بدون شناسنامه بودند، زیرا با وجود اصل ۲۶ قانون اساسی که آزادی احزاب سیاسی را مشروط بر عدم نقض اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی می‌داند، هنوز قانون احزاب سیاسی شکل نگرفته بود.

اما حزب جمهوری اسلامی، در واقع، نوعی واکنش در برابر مسیر تشکیلاتی بود که در آن زمان در جامعه حضور داشتند و از آنها احساس خطر می‌شد؛ یعنی اگر در اهداف و چرایی شکل‌گیری این حزب دقت کنیم، متوجه می‌شویم که این حزب، تشکیلاتی برای مبارزه و

پنجشنبه ۶ اردیبهشت ۱۴۰۳، ۱۶ شوال ۱۴۴۵، ۲۵ آپریل ۲۰۲۴، شماره ۴۴۴۸، صفحه ۵

مردم به این باور رسیده‌اند که احزاب سیاسی به جای منبع قدرت تبدیل به ابزار قدرت شده‌اند

- فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی در ایران، هم‌زمان و شاید پیش از برگزاری اولین انتخابات تاریخ معاصر آغاز شد؛ اما خبری از نهادهایی تجزیه‌گرا یا احزابی که در کنار فعالیت‌های انتخاباتی نشان می‌دهد و تشکل‌ها و فهرست‌های موسمی می‌کوشند تا این ضعف را پوش دهند.



از دیگر آسیب‌های رأی‌دهی لیستی، افزایش نقش سپول در انتخابات و در واقع، در نتیجه انتخابات است. گاهی هزینه‌های اعلام شده از میزان درآمد یک نماینده در ۴سال بیشتر است. با وجود این، افراد می‌پذیرند. چرا؟! از سوسی دیگر، انتخابات در واقع، عرصه رقابت ایده‌ها و برنامه‌ها است اما ما در طول انتخابات لیستی هیچ برنامه‌ای از سوی لیست‌هائمی‌بینیم. نهایتاً، انتخابات به‌عنوان‌مظهر دموکراسی، به‌نوعی به رقابت بی‌صدای ثروت، سرمایه‌داری و نهایتاً بسیاری از افراد شایسته و صاحب‌نظران دارای ایده و پای‌بند به اصول اخلاقی به دلیل اینکه سرمایه‌ای برای هزینه‌های هنگفت انتخابات لیستی احزاب ندارند، از امکان ورود به پارلمان و ارائه برنامه‌های خود به عنوان یک نیروی سیاسی محروم می‌شوند.

نخبه‌گرا بودن احزاب سیاسی موجب شده آنها از یک سو، توجه چندانی به عضوگیری از افراد عادی نداشته باشند و از سوی دیگر، به پارلمان و ارائه برنامه‌های خود به عنوان یک نیروی سیاسی محروم می‌شوند.

نخبه‌گرا بودن احزاب سیاسی موجب شده آنها از یک سو، توجه چندانی به عضوگیری از افراد عادی نداشته باشند و از سوی دیگر، به پارلمان و ارائه برنامه‌های خود به عنوان یک نیروی سیاسی محروم می‌شوند.

به علاوه، سازوکار تهیه لیست‌های انتخاباتی به نظر می‌رسد مبتنی بر سهم‌خواهی برخی افراد و مناسبات سیاسی است. به همین دلیل است که در یک لیست به‌عنوان مثال ۳۰ نفره حوزه انتخابیه تهران شش نفرادری کنار کنار هم می‌بینید که در حالت عادی در کنار هم قرار نمی‌گیرند. بخشی از این لیست‌ها را نمایندگان مجلس قبل تشکیل می‌دهند، بدون آنکه ارائه‌دهندگان لیست پیرامون عملکرد آنها در مجلس پیشین شفاف‌سازی کنند.

لذا به نظر می‌رسد، سلامت انتخابات که می‌تواند تضمین‌کننده سلامت سیاست‌گذاران و ورود قانونگذاران سالم و بیسج مردم‌پای صندوق رأی بوده، به مخاطره افتاده، بحران مشروعیت و اعتماد را رقم بزند. شناسایی این نقاط ضعف و مهم‌تر از همه، اصلاح قانون احزاب سیاسی، نظارت مالی شدید بر انتخابات، گذار از «تجارت انتخاباتی» به «رقابت انتخاباتی» نظارت هایت امنایی از افراد صالح بر روند تهیه لیست‌ها، شفاف‌سازی روند تهیه لیست‌ها و آموزش عمومی به منظور پیشگیری از رأی‌دهی لیستی بدون شناخت از ضروریات

بازبینی در انتخابات باشد. باید پیش‌بینی شش‌تجرب، منتقدان احزاب سیاسی برای توسعه سیاسی

طولانی مدت حیاتی هستند. جامعه به دموکراسی نمایندگی نیاز دارد تا بتواند عقاید متفاوت را پیرامون مسائیل مختلف مطرح کند. مکانیزمی که می‌تواند این مسیر را تسهیل کند، حضور احزاب سیاسی است که با حمایت یا محدودسازی دولت قوه مجریه، آن را پاسخگو، مسئولیت‌پذیر و شفاف می‌سازد و ارائه طرح‌های مختلف به نمایندگان قوه مقننه، آنها را کارآمد می‌سازد و به مردم قدرت انتخاب می‌دهد. اما در کشور ما حضور احزاب سیاسی قوی، تشکیلاتی، نهادمند و به عنوان عضوی از جامعه مدنی نادیده گرفته شده است.

اغلب احزاب سیاسی از منزلت پایینی برخوردار هستند. افراد اداره‌کننده این احزاب بجای نمایندگی علایق و نیازهای مردم، پیکر علایق خود هستند. با وجود این، معتقدم احزاب سیاسی معتبر و نظام حزبی مؤثر برای ساخت دموکراسی اساسی و ضروری است.

یکی از دلایل ناکارآمدی احزاب سیاسی این است که اجماع فکری و تشکیل ائتلاف‌ها برای آنها بیشتر تاکتیکی است تا استراتژی

ایده اصلی پشت این دفاع از حزب این است که اگر مساکرت گرایان رای‌دهی‌بریم، نمی‌توانیم احزاب سیاسی را در کنیم. گردش نخبگان از جمله سیاست‌هایی است که قاعدتا می‌تواند با حضور احزاب سیاسی واقعی رقم بخورد. دفاع کثرت‌گرا از احزاب سیاسی به معنای آن است که نگاه کلی گرا و هر گونه توسل به یکسان‌سازی که به تازگی به خالص‌سازی معروف شده است، رد می‌کند.

با پذیرش گسترش تحزب، به این نقطه خواهیم رسید که به‌دستور زیان‌مشترک کنینازی نیست و به این ترتیب، منتقدان مشروع شکل خواهند گرفت؛ منتقدانی که دشمن نباشند، اما رقیب باشند. گسترش تحزب قاعدتا تا پیوند میان قاعده‌هرم جامعه (مردم و منافع مردم) با رأس هرم قدرت (نهادهای تصمیم‌گیری) را برقرار می‌کند.

در این صورت، با کسب اعتماد سیاسی نسبت به احزاب سیاسی و با گسترش تحزب می‌توانیم نظام انتخاباتی کشور را بسوی نظام انتخاباتی تانسسی یا ترکیبی که مبتنی بر نظام حزبی هستند پیش ببریم. در نتیجه، مردم‌سالاری نمایندگی با انتخاب افراد شایسته‌تر و وضعیت بهتری خواهد یافت.



استقلال، کثرت‌گرایی، خردانگیزگی، رقابت سالم و قاعده‌مند و تعهد به مصالح جمعی است، «جامعه‌پروترین» ظهور و بروز می‌یابد که یک جامعه سیاست‌زده، با رقابت غیرقاعده‌مند، بر اساس مصالح شخصی و قدرت‌محور است که هدف مستقیم آن، کسب قدرت سیاسی خواهد بود. در نهایت، در جامعه مدنی میان مشارکت سیاسی نهادهای مدنی با نهادهای آنها تناسب وجود دارد. در حالی که در جامعه پروترین/سیاست‌زده مشارکت سیاسی نهادهای مدنی بی‌ضابطه و غیرنهادمند است و این عوامل موجب ناکامی احزاب سیاسی می‌شود.

به علاوه، نخبه‌گرا بودن احزاب سیاسی موجب شده آنها از یک سو، توجه چندانی به عضوگیری از افراد عادی نداشته باشند و از سوی دیگر، به آموزش سیاسی و اجتماعی و ارتقای آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی توجه‌های بی‌باشند. در نتیجه، نگرش منفی مردم نسبت به احزاب سیاسی و برج‌عاج‌شینی روشنفکران حزبی و عدم تلاش جدی آنها برای جذب مردم موجب شکاف و فاصله معنادار میان مردم و احزاب شده، پایگاه اجتماعی آنها را تضعیف کرده است که چنین وضعیتی هنوز وجود دارد.

افراد درون احزاب سیاسی وقتی با اختلاف، نه رقابت در کسب قدرت موجه می‌شوند به راحتی و با توجیه سرطانی و سمی انشعاب می‌زنند

پس از مشروطه هرگز و در هیچ دورانی فضای رقابتی مسالمت‌آمیز و منطقد در ایران شکل نگرفت. شکاف‌های متراکم وایدئولوژیک انعطاف‌ناپذیر به بی‌ثباتی سیاسی و قطبی کردن شدید فضای سیاسی –اجتماعی جامعه منجر شد. این فضا موجب تقویت ساخت‌ناامن ذهنی مردم و حزب‌گریزی آنها شد.

در نهایت، مردم به دلایلی مانند نخبه‌گرایی (عدم انطباق با خواست‌ها و مطالبات مردم)، وابستگی به حکومت (عدم استقلال)، تعارضات ایدئولوژیک و قطبی کردن جامعه ناکارآمدی احزاب سیاسی را می‌توان از منظر نحوه شکل‌گیری، تلاوم حیات، برآوردن و انجام کارویژه‌های حزب، ساختار قدرت و ضعف قانون احزاب سیاسی نیز بیان کرد. بررسی تاریخی نشان می‌دهد احزاب سیاسی در دوره‌های خود نتوانسته‌اند به کارویژه‌های ضعیف قانون احزاب سیاسی بررسی تاریخ نشان می‌دهد احزاب سیاسی در دوره‌های خود نتوانسته‌اند به کارویژه‌های ضعیف قانون احزاب سیاسی فاقد نظام نظارت و شفافیت مالی برای فعالیت‌های احزاب سیاسی است. احزاب سیاسی در ایران سیاست‌زدگی شدید، قدرت‌طلبی تنگ‌نظرانه با قاعده «برد – باخت» بجای قاعده همکاری‌جویانه و رقابت مسالمت‌آمیز و عدم رعایت قواعد بازی دموکراتیک هستند که موجب ناکارآمدی آنها می‌شود. از سوی دیگر، در مانیفست تمام احزاب سیاسی بر اصول اخلاقی، مدنی و قانون‌مندی تأکید شده است، اما در عمل میان این اصول و آنچه رخ می‌دهد، فاصله و گسست وجود دارد.

برخی معتقدند روابط احزاب باهم آنتاگونیستی (ستیزه‌جویانه) است اما من معتقدم روابط افراد در داخل یک حزب هم آنتاگونیستی است؛ حتی در داخل احزاب سیاسی رقابت مدنی، اجماع فکری و ….. شکل نمی‌گیرد. مردم به این باور رسیده‌اند که برای احزاب سیاسی به جای منبع قدرت تبدیل به ابزار قدرت شده‌اند

با وجود این که به نظر می‌رسد تمام‌مواردی که ذکر فرمودید در عدم توفیق یا «ناکامی» احزاب سیاسی مؤثر بوده‌اند، شاید مهم‌ترین دلیل عدم توفیق احزاب سیاسی عدم توافق آنها با مفسر قانون در «تفسیر قوانین قدرت» و اختلاف نظر در «روش ساختار قدرت» باشد. البته توجه دارید که تمام عوامل مؤثر در و اختلاف‌ساز، حتی در شکل‌گیری شوراهای مرکزی، هستند و کمتر به ضوابط حزبی، انضباط سازمانی و تشکیلات توجه می‌کنند. به علاوه احزاب سیاسی در ایران یا نخبه‌گرا یا توده‌گرا هستند و ریشه در طبقه اجتماعی خاصی ندارند.

این باور رسیده‌اند که احزاب تنها در پی تحقق منافع فردی، گروهی و جناحی خود هستند، احزاب سیاسی هیچ فایده و عملکرد مثبتی برای مردم ندارند، احزاب توجه کمی به خواسته‌ها و مطالبات مردم دارند، احزاب نمی‌توانند نقش مانیجسی خود را به عنوان جامعه مدنی و انتقال مطالبات مردم به طبقه حاکم انجام دهند و اینکه احزاب سیاسی فدای دسترسى به قدرت، مردم را به فراموشی سپرده‌اند. در نتیجه، مردم به این باور رسیدند که بجسای «منبع قدرت» برای احزاب سیاسی تبدیل به «ابزار قدرت» شده‌اند. از سوی دیگر، مشارکت نهادمند مستلزم وجود فرصت‌های برابر و رعایت قواعد بازی دموکراتیک (۱) در داخل نهاد مدنی؛ (۲) در تعامل با حکومت و (۳) در تعامل با سایر نهادهای مدنی است. در صورتی که نهادهای مدنی مانند احزاب سیاسی نهادمند نشوند، به‌قول هانتینگتون بجای «جامعه مدنی» که مسئولیت انتقال مطالبات مردم قاعده‌هرم را به رأس قدرت برعهده داشته و عرصه‌ای اخلاق‌مدار، قانون‌مند، حوزه آزادی و

خود حرکت کرده و در نهایت و زیرساخت در نفی یکدیگر معنا پیدا کرده‌اند. در نتیجه، نخبگان سیاسی ما هر درک درستی از حزب ندارند چه برسد به عامه مردم. بنابراین، یکی از دلایل ناکارآمدی احزاب سیاسی عدم درک صحیح نخبگان سیاسی و مردم از حزب سیاسی، ماهیت و کارویژه‌های آن است.

دیگر آنکه، ساختار و تشکیلات حزبی در ایران شکل نگرفت. احزاب ایران فردگرا و تمرکزگرا رشد کردند. به همین دلیل شمایی‌بینید که در انتخابات، حیثیت حزبی به معنای واقعی به خود فردی از دون نمی‌شود و نمی‌تواند به یک گفت‌مان واحد برسد. حتی در چارچوب حزب یک ایدئولوژی بروز نمی‌کند و انسداد فکری و سیاسی و توسعه‌نیافتگی سیاسی اتفاقاً از همین احزاب سیاسی آغاز می‌شود.

افراد درون احزاب سیاسی وقتی با اختلاف، نه رقابت در کسب قدرت مواجه می‌شوند به راحتی و با توجیه سرطانی و سمی انشعاب می‌زنند. خرد جمعی در احزاب سیاسی شکل نمی‌گیرد و احزاب سیاسی در بازی قدرت و قدرت‌طلبی در خرد فردی گرفتار می‌شوند. یکی دیگر از دلاییل ناکارآمدی احزاب سیاسی این است که اجماع فکری و تشکیل ائتلاف‌ها برای آنها بیشتر تاکتیکی است تا استراتژی. به همین دلیل این ائتلاف‌های سست و زودگذر و انشعابات سریع کارآمد نیستند. ساختار قدرت در این نهاد مدنی که باید مظهر دموکراسی باشد، غیره‌موکراتیک است. احزاب سیاسی در ایران نتوانسته‌اند شکلی اندام‌وار به خود بگیرند و در ساخت اجتماعی به انسجام اجتماعی دست یابند.

اگر احزاب سیاسی در ایران را بر اساس نظریه هانتینگتون مورد بررسی قرار دهیم، متوجه می‌شویم کشور سیاسی در ایران از مرحله شکل‌گیری و تلاوم حیات عبور کرده و در مرحله گسترش قس‌ر از دارند. اما به مرحله نهادمدی یا نگذاشته‌اند. از این رو، ناکارآمدی احزاب سیاسی را می‌توان از منظر نحوه شکل‌گیری، تلاوم حیات، برآوردن و انجام کارویژه‌های حزب، ساختار قدرت و ضعف قانون احزاب سیاسی نیز بیان کرد. بررسی تاریخی نشان می‌دهد احزاب سیاسی در دوره‌های خود نتوانسته‌اند به کارویژه‌های ضعیف قانون احزاب سیاسی فاقد نظام نظارت و شفافیت مالی برای فعالیت‌های احزاب سیاسی است. احزاب سیاسی در ایران سیاست‌زدگی شدید، قدرت‌طلبی تنگ‌نظرانه با قاعده «برد – باخت» بجای قاعده همکاری‌جویانه و رقابت مسالمت‌آمیز و عدم رعایت قواعد بازی دموکراتیک هستند که موجب ناکارآمدی آنها می‌شود. از سوی دیگر، در مانیفست تمام احزاب سیاسی بر اصول اخلاقی، مدنی و قانون‌مندی تأکید شده است، اما در عمل میان این اصول و آنچه رخ می‌دهد، فاصله و گسست وجود دارد.

برخی معتقدند روابط احزاب باهم آنتاگونیستی (ستیزه‌جویانه) است اما من معتقدم روابط افراد در داخل یک حزب هم آنتاگونیستی است؛ حتی در داخل احزاب سیاسی رقابت مدنی، اجماع فکری و ….. شکل نمی‌گیرد. مردم به این باور رسیده‌اند که برای احزاب سیاسی به جای منبع قدرت تبدیل به ابزار قدرت شده‌اند

با وجود این که به نظر می‌رسد تمام‌مواردی که ذکر فرمودید در عدم توفیق یا «ناکامی» احزاب سیاسی مؤثر بوده‌اند، شاید مهم‌ترین دلیل عدم توفیق احزاب سیاسی عدم توافق آنها با مفسر قانون در «تفسیر قوانین قدرت» و اختلاف نظر در «روش ساختار قدرت» باشد. البته توجه دارید که تمام عوامل مؤثر در و اختلاف‌ساز، حتی در شکل‌گیری شوراهای مرکزی، هستند و کمتر به ضوابط حزبی، انضباط سازمانی و تشکیلات توجه می‌کنند. به علاوه احزاب سیاسی در ایران یا نخبه‌گرا یا توده‌گرا هستند و ریشه در طبقه اجتماعی خاصی ندارند.

این باور رسیده‌اند که احزاب تنها در پی تحقق منافع فردی، گروهی و جناحی خود هستند، احزاب سیاسی هیچ فایده و عملکرد مثبتی برای مردم ندارند، احزاب توجه کمی به خواسته‌ها و مطالبات مردم دارند، احزاب نمی‌توانند نقش مانیجسی خود را به عنوان جامعه مدنی و انتقال مطالبات مردم به طبقه حاکم انجام دهند و اینکه احزاب سیاسی فدای دسترسى به قدرت، مردم را به فراموشی سپرده‌اند. در نتیجه، مردم به این باور رسیدند که بجسای «منبع قدرت» برای احزاب سیاسی تبدیل به «ابزار قدرت» شده‌اند. از سوی دیگر، مشارکت نهادمند مستلزم وجود فرصت‌های برابر و رعایت قواعد بازی دموکراتیک (۱) در داخل نهاد مدنی؛ (۲) در تعامل با حکومت و (۳) در تعامل با سایر نهادهای مدنی است. در صورتی که نهادهای مدنی مانند احزاب سیاسی نهادمند نشوند، به‌قول هانتینگتون بجای «جامعه مدنی» که مسئولیت انتقال مطالبات مردم قاعده‌هرم را به رأس قدرت برعهده داشته و عرصه‌ای اخلاق‌مدار، قانون‌مند، حوزه آزادی و

احزاب سیاسی در ایران بیشتر تمرکزگرا و رابطه‌مدار، حتی در شکل‌گیری شوراهای مرکزی هستند و کمتر به ضوابط حزبی، انضباط سازمانی و تشکیلات توجه می‌کنند. به علاوه، احزاب سیاسی در ایران یا نخبه‌گرا یا توده‌گرا هستند و ریشه در طبقه اجتماعی خاصی ندارند

اتفاق جالب زمانی رخ می‌دهد که دبیر کل یک حزب سیاسی می‌گوید: «سازوکار تصمیم‌گیری بر مبنای اجماع فکری نیست.» این یعنی تعریف حزب سیاسی را هم زیر پا نهاده، جمع بودن و اشتراک ذهنی و عقیدتی را تجربه نکرده و به قولی هر کس به سوی منافع

نصب وراه اندازی دوربینهای مداربسته

پشتیبانی دوربینهای مداربسته

رفع مشکل

۰۷۶۴۴۸۰۵ – ۰۷۱۹۱۰۹۲۶۷۵

نصب وراه اندازی دوربینهای مداربسته

پشتیبانی دوربینهای مداربسته

رفع مشکل

۰۷۶۴۴۸۰۵ – ۰۷۱۹۱۰۹۲۶۷۵



تیم رایان کیش

اینترنت پرسرعت…



Tiyamnet

تیم رایان کیش

اینترنت پرسرعت…

Tiyam.ir